

تصدیق می فرمایند که از بابت لایحه و باجاری زیاد توضیح دادم عفو خواهید کرد.

رئیس عقیده کمیسیون چیست؟

مخبر - کمیسیون جدید که انتخاب شد بعقیده اینکه اعضای کمیسیون سابق این وقت را تقدیم مجلس کرده بودند دولت توافقی نظر حاصل کرده اند و این کمیسیون مخبر خودش را مجبور کرد که از همان راپرت قدیم دفاع کند و این قانون را از مجلس بگذرانند دولت میگوید ۵ سال کافی است.

از طرف دیگر پیشنهادی هم از طرف آقایان میرسد و بنده نظر آقایان اعضاء کمیسیون سابق را نمی دانم چه بوده که این راپرت را تقدیم مجلس کرده اند اگر بادرالت توافقی نظر حاصل شده و تقدیم مجلس کرده اند پس چرا دولت نظر من را عوض کرده است توافقی حاصل نشده پس چرا به مجلس تقدیم کرده اند.

در حال استدها میکنم آقایان اجازه بدهند این ماده هم مثل سایر مواد برگردد بکمیسیون آقای مدرس هم تشریف بیاورند بکمیسیون نماینده دولت هم حاضر است راپرت جدیدی تهیه کرده و تقدیم مجلس میشود.

**معاون وزارت مالیه - اجازه می فرمایند؟**

رئیس - تقاضا کرده اند به کمیسیون ارجاع شود چون آقای مخبر تقاضا کرده اند بکمیسیون ارجاع شود ولی بنده تصور میکنم این ترتیبی که پیش آمده است نسبت باین لایحه مخصوصاً یک ترتیب مطلوبی نیست.

این لایحه چندین ماده است وقت مجلس را اشغال کرده می میرود بکمیسیون و ناخسته برمیگردد به مجلس بهتر این است که کمیسیون یک ترتیبی در خارج اتخاذ کنند با آقایان تبادل نظر کنند که این قدر وقت مجلس تلف نشود.

**حاج میرزا عبدالوهاب - بنده عرض دارم.**

رئیس - راجع بچه حاج میرزا عبدالوهاب - راجع باینکه کمیسیون با دولت در این باب توافق نظر حاصل کرده بود.

رئیس - اینکه گذشت جلسه را ختم میکنیم جلسه آینده روز یکشنبه ۳ ساعت و نیم قبل از ظهر دستور بقیه همین قانون منیزی و فقره شهریه.

(مجلس نیم ساعت قبل از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - سید محمدتدین منشی - مشهاب منشی - علی خطیبی

**جلسه ۲۰ صورت مشروح مجلس ۱ شنبه اول آذرماه ۱۳۰۴ مطابق پنجم جمادالاولی ۱۳۴۴**

مجلس دو ساعت قبل از ظهر ریاست آقای طباطبائی دیبانی بر رئیس تشکیل شد (صورت مجلس پنجشنبه ۲۸ آبان ماه را آقای آقا میرزا شهاب قرائت نمودند)

نایب رئیس - آقای آفا سید - یعقوب

(اجازه)

آقا سید یعقوب - قبل از دستور عرض دارم

نایب رئیس - آقای دکتر احتشام (اجازه)

دکتر احتشام - قبل از دستور عرض دارم

نایب رئیس - آقای سلطانی (اجازه)

سلطانی - بنده هم عرض قبل دستور است

نایب رئیس - آقای افسر (اجازه)

محمد هاشم میرزا - بنده قبل از دستور عرض دارم

نایب رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - بعد از تصویب صورت مجلس عرض دارم

نایب رئیس - آقا شیخ فرج الله (اجازه)

آقا شیخ فرج الله - بجای آقای سید احمد خان اعتبار یک نفر عضو برای کمیسیون بودجه انتخاب شد و فعلاً ایشان رئیس اداره مرکزی تلگرافخانه هستند باینحال در صورت مجلس ایشان را غائب بی اجازه نوشته اند این مورد ندارد

یک نفر از نمایندگان - هنوز استعفا نداده اند

نایب رئیس - آقا میرزا شهاب (اجازه)

آقا میرزا شهاب - بنده و آقا میرزا حسین خان اسفندیاری و اسمعیل خان و کیل را دیر آمده و بی اجازه نوشته اند در صورتی که راجع بیکی دوقره کار کرمان بود که ناچار از رفتن بتلگراف خانه شدیم و متنباهم استجازه از مقام ریاست کردیم

نایب رئیس - اصلاح میشود در صورت مجلس ایرادی نیست

(گفته شد خیر)

نایب رئیس - صورت مجلس تصویب شد

آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - يك مسئله است که مکرر در همین مجلس هم بنده و هم سایر آقایان مذاکره کرده اند روزنامهجات معلی هم این مسئله را ورد توجه قرار داد و بنده و آقای نظامی هم در این باب مذاکرات زیادی کردیم و آن مسئله صحیح مملکتی است

این مسئله مسلماً بعد از امنیت اول قدمی است

که باید برداشته شود که نعمتان محولتان الصحة و الامان بلکه صحت بالاتر از آن است

ایشان را میدانیم ولی نمیدانیم مسئول صحنه کیست بطوری که بنده در کمیسیون بودجه شنیدم برای شهریار سالی ۴۰۰۰ تومان اعتبار معین شده که در عرض سال گنه گنه بخزند بمردم بدهند که از مالاریا نگیرند

بطوریکه بنده تحقیق کرده ام یکساله ۴۰۰ تومان یا ۳۰۰ تومان خرج اینمحل شده است خوب مادر ماله و غیره بکرات صحبت میداریم دولت هم همراهی و تصویب میکنند تمام ملت هم يك درخواستی میکنند بصحبه هم پول داده میشود اما کجا میرود معلوم نیست

من میدانم این چه مالاریائی است که خوب نمی شود اگر سالی چهار هزار تومان برای مالاریای شهریار خرج بشود مسلماً مالاریا از آنجا خواهد رفت زیرا شهریار يك مملکتی نیست يك بلوکی است دارای سی یاز چاه

حرف بنده که در مجلس تقاضا می کنم این است که حقیقتاً مسئول صحبه معلوم شود

بنده عقیده ام این است که مطابق آنچه که بعضی از جرائد هم تعقیب کرده اند برای صحبه يك وزیر معین شود و همان طور که امور دیگر وزیر مسئول دارد که وکیل میتواند مطابق وکالت خودش او را تحت مسئولیت در آورد و سؤال کند در در این موضوع هم اگر وزیر مسئول باشد بنده سؤال میکنم بلکه بالا تراز سؤال استیضاح میکنم که برای صحبه شهریار تنها که سالی چهار هزار تومان اعتبار داده شده است چرا ۳۰۰ یا ۳۰۰ تومان خرج آنجا شده است آنوقت بنده و آقای نظامی و دیگران هم فریاد بر مییم

ما باید فعلاً از اینجا قدم برداریم برای ترقی مملکت ممکن است بمن بگویند چرا اصرار حداثت صحبت نمی کنی یا چرا از قرانطبیه بوشهر صحبت نمیکنی بنده عرض میکنم اینجا زیر گوشمان است باید از اینجا شروع کنیم قدم قدم جلو برویم علی الحال باید یک نفر مسئول این کار باشد که ما را و سؤال کنیم صدوسی و دوهزار تومان که برای صحبه در بودجه

پارصال اعتبار داده شد صورت ریزش کجا است

درد بیدرمان است این است که يك يولهای از ملت بعنوان مختلف گرفته می شود و در مقام عمل نیست چون بنده در کمیسیون بودجه از این قضیه اطلاع پیدا کردم این بود که بمرض آقایان رساندم اگر ما دقت کنیم برای خشک کردن چمن کمال آباد و سیاه آبهای شهریار آنوقت چه میشود

این است که بنده تقاضا میکنم از مقام ریاست که در این باب کفیل ریاست وزراء را بخواهند که اینجا معین کنند مسئول صحبه کیست؟

ما که میخواهیم برای ترقی مملکت قدم برداریم خوب است اول قدم را برای صحبه برداریم که حفظ صحت اهالی تاین شود

ما ناچاریم يك وزیر مسئول برای این کار داشته باشیم که او را تعقیب کنیم تا یک قدم اسبی برداشته شود

نایب رئیس - آقای دکتر احتشام (اجازه)

دکتر احتشام - در این وقت که مدت مسامت چهل روزه بنده بیابان رسیده و برای انجام وظائف خود مراجعت رده خدمت آقایان محترم نمایندگان مجلس شورای ملی شرفیابی حاصل کردم بدو ارایه بنده در این مدت از خدمت آقایان محترم دور بودم اظهار نأسف میکنم

و در تانی برای آنکه روحاً با اجرای تکالیف حق نمایندگان معظم که در نتیجه سعادت و نیکی بختی ایران و ایرانیان را متضمن است شریک و مساعد بوده هستیم و باینک مسرت بینظیری تبریکات قلبیه خود را تقدیم و از طرف موکلین خود هم آقایان عظام را از اینکه باینک قدم سریع و جدی بنب سعادت و سربلندی را برای این آب و خاک مفتوح فرموده اند تبریک و تهنیت می گویم

مخصوصاً تقاضا میکنم این اظهار مسرت و شادمانی را که از طرف آقایان علماء اعلام و تجار و انجمن اصناف و سایر طبقات ملت اصفهان و آمیخته بکمال صمیمیت و انتظار و امیدوار است و عرض و ابلاغ آن را بعهده بنده وا گذاشته اند بحسن نظر و قدردانی از احساسات بی آرایش آنها تلقی فرمایند امیدوارم با این روح وحدت و یکپارگی که بین نمایندگان مجلس شورای ملی و دولت علیه والا حضرت اقدس پهلوی ایجاد شده از این پس روزگار بدبختی و پریشانی از این مملکت خاتمه یابد و با علاقه مند می مخصوصی که بنده کان والا حضرت اقدس از بدو زمان داری خود نسبت باین ملت و مملکت ثابت فرموده اند ترقیات مجید الموقولی که عهده نقطه نظر بنده کان والا حضرت اقدس

است ایران و اهالی آنرا عابد گردیده در مقابل ملل حیه مغنر و سرافراز سازند

از آنجا که خود را موظف می دانم وضعیات ادارات دولتی اصفهان و احوال اهالی آنرا از نظر نمایندگان محترم مجلس شورای ملی بگذرانم اطلاعات چندروزه خود را بر عرض می رسانم

آقای نصر الملک . . .

آقا سید یعقوب - اسسش را بفرمایند القاب ملغی شد

دکتر احتشام - حسنعلی خان هدایت که فعلا مسئولیت حکومت را بعهده گرفته اند از مردمان نجیب سلیم النفس و تاکنون کاملاً بجلب رضایت اهالی اصفهان موفق بوده اند

آقای سرهنک ابوالفتح خان بریاست قشون اصفهان منصوب و چون از جوانان تحصیل کرده مذهب الاخلاق است علاوه شخصاً در اصفهان دارای علاقه و متحتاج بانیت مردم نیست با تمام مردم بطور آراست و مهربانی سلوک مینماید

اداره نظمی آنها حقیقتاً بسیار خوب و موجب کمال خوشنودی تمام طبقات مختلفه است مخصوصاً آقای سرهنک احمد هلیخان رئیس نظمی اصفهان با این قبیل بوده فقط بعلت حسن اخلاق و مهربانی از عهده تاملین اهالی و اداره کردن اداره نظمی بر آمده است

ولی متأسفانه اداره مالیه اصفهان بروفق تحقیقاتی که تا ساعت حرکت خود بیشتر از اجزای عالیه و اشخاص بصیر بی غرض دست داد دچار بکسرشته اختلال و بی ترتیبی شده که اهالی و علاقه مندان با مورد اقتصادی ایران را باعث نگرانی گردیده است

من جمله در ظرف سه سال دویمت و ۱۸ هزار تومان کسر صندوق مالیه است که سر قف شده حالاً مرتکب این سرقتی کی بوده البته کشف خواهد شد

تنها وسیله که در مقابل بی نظمی و ورور خلاف انتظارات از طرف مالیه اصفهان اهالی را ایدوار کرده وجود آقای میر سید محمدخان پیشکار مالیه است که اخیراً باین سمت اصفهان رفته و باشتتاری که بصحت عمل دارند اوقات خوراصرف اصلاحات نموده و مینماید

اوضاع اقتصادی و تجارت کسبه بلکه عامه اهالی اصفهان بی اندازه اسف آور است زیرا علاوه بر اینکه در سنوات سابقه که مملکت دچار انقلاب و وحدت جنگ بین المللی هم بآن ضمیمه شد مردم آنجا سرمایه خود را از دست دادند پریشان شدند متعاب این ابتلاعات در سال مجامه هشت سال قبل که تسعیر جنس در تمام ایران ترقی کرد مردم اصفهان در ششماه تمام گندم خرواری سیصد تومان تهیه و اعاشه نمودند

باضافه اتلاف عده کثیری از جمعیت اصفهان فاقدهستی شدند

اگر در ظرف چهار سال اخیر ایجاد امنیت کامل که بگانه اسباب امیدواری اهالی این مملکت است و توسعه کسب و حرفت و تامین تجارت و زراعت و سایر امور اقتصادی کمک نمیکرد امروز دیگر اسمی از آن باقی نبود این اوقات نقصانی که باقی مانده راهالی اصفهان را از اشتغال با امر تجارت و بسط کسب و صنعت دلسر کرده و موجب ضرر و خسران شده

اینست که از چند ماه قبل با اینطرف بانک پول شکسته و سائیده را قبول نمیکند مگر آنکه علاوه بر صرف معمولی برات هزاری و چهار تومان زیاده بگیری مثلاً با ۵ هزار و ۴۰۰ تومان بیانک بدهند و هزار تومان حساب کنند چون کلیه معاملات تجارت و کسبه شهرهای ایران بوسیله بانک است بدو هزاری جدید الضرب هم دست رس ندارند

برای آنکه صرف نظر فوق العاده این مسئله اهالی را از کار و کسب و شغل خود باز داشته راه بزرگی بحال اقتصاد وارد کرده و من کند و لازم است در جلو گیری از این زحمت و خسارت کلیه مردم ایران از طرف وزارت جلیله مالیه بصفط توجهی عاجل باشد

لذا از مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی تقاضا دارم بوزارت مالیه اخطار شود که با سرعت وسائل موجبات رفع زحمت و نگرانی مردم بیچاره ایران خاصه اهالی فقیر بی بضاعت اصفهان را فراهم و قراری بدهند که پول سائیده و شکسته قبول و در بازار تمام شهرها فروخته شود

نایب رئیس - آقای سلطانی (اجازه)

سلطانی - بنده عرض می ندارم بعضی از نمایندگان - دستور

نایب رئیس - وارد دستور می شوم خیر کمیسیون قوانین مالیه راجع بماده دوم قانون همبندی مطرح است

شیروانی - بنده یک تذکری دارم اجازه میفرمایند

نایب رئیس - بفرمایند

شیروانی - کمیسیون بفرماید که در پیش رو انتخاب کنند

نایب رئیس - کسری کمیسیونها را عرض می کنم

کمیسیون قوانین مالیه دو نفر قوانین مالیه دوفتور - معارف ۳ نفر نظام هشت نفر داخله ۵ نفر در ضمن مذاکره آقایان دوفتور دوفتور شریف بیرندورای بدهند

آقایان نظار هم تشریف ببرند (خبر کمیسیون قوانین مالیه بشرح ذیل خوانده شد)

کمیسیون قوانین مالیه ماده دوم و مالیات املاک از بابی و دو اب را بشرح ذیل تصویب

نماینده دولت نتوانست بگرا حلی برای قسمت اول پیشنهاد کند زیرا عقیده بکنند از آقایان این بود که جنس باید بکلی تسعیر شود و مالیات جنسی بکلی موقوف شود و بعضی از آقایان عقیدهشان این بود که مالیات باید بکلی منسوخ باشد غیر از خربوزه و هندوانه

مثل نظری که آقای سردر عاشر داشتند و وزارت مالیه میخواست اختیار بدهد بنمایند خودش که اگر جنس بد باشد تسعیر کند و اگر خوب باشد جنس بگیری و قدر جایی که کمیسیون نتوانست پیدا کند این بود که سه خروار را بجزایر کرد - مودی تسعیر کند و مابقی را جنس بردارد تا در موقع عمل اگر تسهیلاتی بیش آمد و نتوانستند مالیات جنسی را بکلی موقوف کنند یک لایحه ای میآوردند و نظر آقایان را که عقیده دارند مالیات جنسی موقوف شود تأمین می کند و توافق نظری که بین دولت و کمیسیون و نظر اغلب آقایان و کلا پیش آمد همین بود که مودی حق داشته باشد تا سه خروار جنس مالیاتش را تسعیر کند

نایب رئیس - آقای مدرس (اجازه)

مدرس - بنده در ماده دوم پیشنهادی کردم و بنا بود در کمیسیون اصلاح کنند و اگر بنده شود این ماده باین ترتیب بگذرد موقعی برای عرض من دیگر باقی نمی ماند لذا حالا مجبورم مسئله را عرض کنم و پیشنهاد هم کرده ام

همانطوریکه آقای مغیر گفتند در این امر اقوال مختلف است اما چون بنده کسالت دارم از آقایان استدعا دارم بفرمایند اگر بنظرشان انصافی خواهد شد استدعا می کنم آقایان یک توجهی در این امر بفرمایند

نایب رئیس - آقای اسفندر (اجازه)

محمد هاشم میرزا اسفندر - بنده عرض می ندارم

نایب رئیس - آقای مدرس (اجازه)

مدرس - مخالفم

نایب رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - مخالفم

نایب رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

آفاشیخ محمدعلی تهرانی - بنده موافقت میکنم اینجانب یک پیشنهادی آقای آقا میرزا شهاب کردند که نصف آن پیشنهاد را الغاء کرده اند و نصف دیگر ضمیمه شده است بنده خواستم از آقای مغیر توضیح بخواهم علت این که یک قسمت پیشنهاد را الغاء کرده اند و یک قسمت دیگر را ضمیمه کرده اند چه بوده است؟

حائریزاده مغیر - علت این بود که

ما بلکه تمام دنیا است و عبارت است از گندم و جو و شلتوک اینها را جنس بدولت بدهند و باقی چیزها را نقدی

این هم فلسفه دارد - بجهت این که سایر چیزها قابل تبدیل بودند مثلاً امسال بنده ملکم را بینه میکارم سال دیگر صیفی یا چیز دیگر و لذا این جهت همچو قرار دادید که غیر از این سه جنس (که کمتر تغییر میکنند و معالبتاء عموم است) باقی چیزها را نقدی بگیرند

بنده هم این فلسفه را قبول دارم و عقیده دارم که گندم و جو و شلتوک باید در مملکت جنسی و سایر چیزها نقدی باشد در وقت میزبانی هم باید این سه جنس را جنس میزبانی کرد و در وقت دولت هم تبت کرد یعنی میزبانی وقت میباید باید به بنده که مزرعه من در سال چندر عمل میکنند مثلاً از قرارتخم چهار تخم یا پنج تخم با شش تخم دویمت خروار عایدی دارد و از قرارتخم سه و نیم یا هر قدر فلان مقدار جنس از بابت مالیات باید بدولت بدهم

منتها در این مسئله که اختیار بادولت باشد که عین جنسی را احتمالاً بگیرد بنده از این قسمت یک نظر و عقیده دارم و آن این است که اختیار بادولت بودن همیشه یک معضلات سختی دارد که اسباب زحمت است

مثلاً امسال زراعت من خیلی خوب شده و جنس هم گران است آنوقت دولت حتماً میخواهد در این زمان جنس بگیرد یا بالعکس

در حالی که حاصل من خیلی خوب شده و جنس هم ارزانت در یک هم جوسالی یک دستمال ابریشمی بر میدارد دست در زیر حاصل من میزند و میگوید محصول تو صدی پنجاه خاک دارد و اگر هم قبول ندادی برو در انبار ببین

باینکه میگویند باید صد بیست را رها کرد برای اینکه تخم حلف دارد تخم حلف را که من داخل در گندم نکردم زمیانی که من در او حاصل داشتم تخم حلف داشته سبز شده است

پس با این عادت که مردم در قرون گذشته داشته و حالا هم دارند بهتر این است که میزبانی همان جنس کرد نسبت بکنند و جو باین ترتیب که میزبانی کرده بنده و معین کند که سالی ده خروار گندم یا پنج خروار جو مالیات باید بدولت بدهم در دفتر هم همینطور بنویسد

چون آقای قائم مقام الملک خوب متوجه هستند بنده برنج را مثل میزبان که میزبانی در مزرعه و موری کند که فلان مزرعه سالی صد خروار شلتوک دارد

قرضاً از این صد خروار شصت خروار را زارع میرد و چهل خروار را صاحب مملک

میرد در دفتر هم همینطور بنویسند که مثلاً مزرعه آقای قائم مقام الملک سال فلان مقدار شلتوک باید بدولت بدهد

ولی در موقع گرفتن چنانچه پیشنهاد هم کرده ام عقیده بنده این است که اختیار با مودی مالیات باشد که اگر میخواهد جنسی را ببرد یا بنابر دولت تحویل بدهد و این جلو بقیمت عادلانه محل پولش را بدهد و این بگو اشکال تراشی های مأمورین را نسبت بموردان مالیاتی از هر جهت می گیرد و آنکه در مملکت عملی است مجلس است

شاهساهر کدام غالباً از نقطه مور کز خودتان اطلاع دارید و میدانید که طرز وصول مالیات و معامله مأمورین با مودیان چه طور است هر وقت حاصل کم است عین جنس را مطالبه میکنند و هر وقت حاصل خوب است و دهنده مالیات حاضر است جنس بدهد

آنوقت می گویند مثلاً حاصل و شلتوک تو بوی نا برداشته و میبویست و بدر نمی خورد و دو هزار جور ایراد می کند اگر می خواهید رفاهیت مردم را ملاحظه کنید و ضرری هم بدولت نخورد باید یک شکلی کرد که عادلانه باشد

مغارج مملکت ما هم که همه اش نقدی است جنس که ندارد

آقایان اعضای کمیسیون بودجه همه میدانند که این بودجه دولت بگمسیون بودجه میآورد همه اش نقد است و یک رقم جنس ندارد

مثلاً میبویست منشی فلان قدر ثبات فلان مبلغ فلان خرج فلان مبلغ پس اگر دولت جنس هم داشته باشد می خواهد بفروشد حالا که این مقصود را دارد اگر خود صاحب جنس بخواهد بخرد البته مقدم و اولی است

وقتی دولت میخواهد جنسش را بفروشد خود او آن جنس را بر میدارد و در مقابلش پول میدهد

الآن دولت می خواهد صد هزار خروار جنس بقران بیآورد به بینه چه زحمتی فراهم آورده است خوب است تمام این جنس ها را حساب کنید و قیمت حمل و نقل و مغارج انبار و همه چیز را حساب کنید

با بینه چه قدر است دولت الان هم چنانچه دارد اینهمه جنس را می خواهد چه کند؟

حالا که منظور است خود صاحب جنس البته بخرد بهتر است

دولت که نمی خواهد جنسش را بفردو احتکار کند و یا به قیمت زیاد و گران تر ببرد بفروشد

اگر این خیال را داشته باشد که ما مخالفیم با اینکه دولت جنس را احتکار کند و وقتی گران شد ببرد و بفروشد وضعیت جنسی باید طوری باشد که اختیارش بدست شخص معینی نباشد خواهد دولت باشد خواه

مردم دولت جنس دارند مردم هم جنس دارند اما مردم نباید مجبور باشند که حکماً جنس خودشان را بدولت بدهند و از دولت بهر قیمت که دلش میخواهد جنسش را بفروشد بخرند

بنده با این ترتیب بکلی مخالفم و علاوه چنانچه عرض کردم مغارج مملکت ما هم نقدی است و جنسی نیست

دولت میخواهد جنس را از مردم بگیرد و بفرد آنها بفروشد حالا که اینطور است اگر من که خودم جنس دارم و باید بدولت بدهم در عرض اگر بخواهم پولش را بدهم دولت چه حق دارد که بگوید حتماً باید جنس بدهم

برای او هم فرق ندارد زیرا که از من باید بگیرد و بدیگری بفروشد بنده چنانچه سابقاً عرض کرده ام دو ثلث خاک ایران را رفته ام و میدانم که اگر بنا شود دولت مالیات جنسی را عمومی کند هم اسباب زحمت مردم خواهد شد و هم مغارج مملکت در مضیقه خواهد بود

لذا بنده خواهش میکنم که آقایان اعضاء کمیسیون و آقای معاون که در اینجا تشریف دارند بروند در این مسئله تأمل کنند و میزبانی را نسبت به گندم و شلتوک و جو جنسی قرار دهند ولی دهند گران را مغیر کنند که یاعین جنس را بدهند و با قیمت عادلانه آنرا بدولت بپردازند و باین ترتیب نه مردم و نه دولت هیچ یک را زیان حتمی نخواهند انداخته از آقایان خواهش میکنم که اگر جوابی ببنده میدهند جواب مقفی باشد

رئیس آقای اجاق (اجازه)

آقای یه حسن اجاق - عرض می ندارم حائری زاده مغیر - اولاً لازم است عرض کنم که بنده مغیر هستم و باید بنا به وظیفه خود از عقیده کمیسیون که با نماینده دولت توافق نظر پیدا کرده است دفاع کنم عقیده شخصی بنده شانه با آقای مدرس موافق باشد ولی در اینجا نمی توانم بنده پیشنهاد آقا را قبول کنم

فرمودند که اگر دولت بنا شود جنس بگیرد و احتکار کند من مخالفم

الا باید دید که دولت چه میگیرد از خرمی که صد خروار جنس موجود دارد دولت سه خروار و نیش را بعنوان مالیات و عوارض مالیاتی میگیرد الباقی نود و شش خروار و نیش نزد آقای مالک و رعیت باقی میماند

اگر چنانچه ما اجازه بدهیم به مالکین که هر وقت برای آنها صرف دارد جنسشان را تسعیر کنند و هر وقت صرف ندارد جنس بدهند خورده مالکها که محتکر نیستند آنها را که تا سه خروار مالیات بده هستند مردمانی نیستند که بخواهند احتکار کنند

اینها را ممکن است بگوئیم جنسشان را اگر میلشان هست تسعیر کنند و نقد بدهند ولی کسانی که صدر و اروپا بده هستند و از دویمت مزرعه شان فلان مقدار زیاد جنس برداشت میکنند دولت باید رقابت آنها را بکنند که این اجناس را زبانی انبار کنند دولت باید در انبارش همیشه جنس باشد که نکند از معتکبین جنس را بالا ببرند

دولت هم که تمام جنس ملاکین را مطالبه نمیکند فقط سهم مالیات خودش را مطالبه میکند و وقتی دولت در انبار خودش جنس بود نان مشهد فراوان و ارزان بود

اگر ما حالا بک مأمورین بدی داریم که بک سوء استفاده هائی از قوانین میکنند این دلیل نشود باید به بیستم دولت چیست؟ دولت یک موسسه ای است که مردم برای حوائج عمومی خودشان انتخاب میکنند و ما وقتی نظر خوب بدولت داشته باشیم و معتقد شویم که دولت را ما خودمان انتخاب میکنیم و از مأمورین کسانی که بدرد مردم میخورند اوتانتخاب میکنند آنوقت نباید با نظر بدین بدولت نگاه کنیم یعنی تصور نکنیم که مقصود او از آوردن جنس در انبار این است که میخواهد نان را گران کند

باید عکس او را تصور کنیم یعنی مقصودش این است جنس در انبار باشد تا چلو معتکبین را بگیرد و بیشترا اعتراضاتی که آقای مدرس فرمودند راجع بقسوت اول ماده بود که ما بکلی اوزا برداشته ایم و گفته ایم آنها را که تا سه خروار مالیات بده هستند اجازه دارند که اگر صلاحشان هست تسعیر کنند و اگر نیست همین جنسرا بدهند و این عقیده را که آقای مدرس فرمودند بنده هم بنا عقیده ایشان موافقم

وزارت مالیه و کمیسیون هم با این ترتیب موافقت که اگر بشود تمام مالیات را نقدی کنیم بهتر نیست ولی در مملکت ما تمام نقاط یک جور نیست در سیستان در آذربایجان جنس دو سال سه سال میماند و خریدار برای آن پیدا نمیشود

اگر چنانچه خواسته باشند مالیات را نقدی بگیرند رعیت نمی تواند پول تهیه کند و مالیات را بپردازد از این جهت ما مجبور شدیم تا سه خروار استثنائی کردیم که اگر خورده مالکین بخواهند این مقدار را تسعیر کنند و الا عین جنس را مالیات بدهند

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .

(بعضی گفتند کافی نیست)

نایب رئیس - عده برای رای کافی نیست .

**آقای افشار** (اجازه)

**افشار - موافقم**

**نایب رئیس - آقای آقا میرزا محمدخان وکیل** (اجازه)

**آقا میرزا محمدخان وکیل - عرضی** را که بنده باید بکنم اغلب آن را آقای مدرس فرمودند لیکن یکی دو موضوع را فراموش فرموده .

**آنروز آقای فرزند** معاون محترم وزارت مالیه اظهار کردند که ممکن است یک نفر چهار پنج بار چه ملک داشته باشد و سه چهار بار چه ازین حاصلش خوب باشد و یک بار چه اش بد باشد و مؤدی مالیاتی ده بار چه ملک داشته باشد که یکی جنش بد باشد و سایر املاک آن جنسش خوب باشد و اگر چنانچه او را بختيار خودش بگذاریم ممکن است آن مؤدی بخواهد تمام مالیات ده بار چه املاک را از آن قطعه ملکی که جنش بد است بپردازد .

**ولی این اشکال وارد نیست زیرا** از تمام نقاط ایران آقای فرزند خودشان اطلاع دارند و میدانند و ممکن است تحقیق هم بفرمایند در هیچ نقطه نیست که مأمور مالیاتی نباشد و در یک دهی اگر دو نفر نباشد مسلماً یک نفر خواهد بود .

**اگر آن مأمور مالیه طرف اعتماد دولت است که اطلاع می دهد که این عمل را در فلان ده نموده اند و اگر طرف اعتماد دولت نیست دولت باید آنرا عوض کند و یک نفر مأمور بفرستد که جنس مالیاتی ملک دیگر قبول نکنند .**

**باین معنی** در هر ملکی که جنش خوب است جنس خوب بگیرد و هر کجا وسط است جنس وسط بگیرد و هر کجا بد است جنس بد بگیرد .

**باین ایرادی** که آقای فرزند فرمودند بنده نمی توانم موافقت کنم و بنده بایش - نهاد آقای آقا میرزا شهاب کاملاً موافقم و حقیقتاً هیچ انصاف و عدل نیست که یک نفری را مجبور کنیم و بگوئیم که جنس تو بد است سیاه است یا تانگه دار است این را ما نمی خواهیم و بروا جای دیگر جنش خوب بفرویا و رو بیا بد .

**حالا** ملاحظه بفرمائید اغلب جاهای ایران امسال سن زده است مثل خوار و ورامین و جاهای دیگر - حالا میشود مأمور مالیه استتکاف کند در گرفتن این اجناس سن زده ؟

**خوب** اگر مأمور مالیه استتکاف کرد از گرفتن جنس آنوقت آن مودی

مالیات باید برود از همدان یا عراق یا صد فرسخ راه گنم بخرد و بیاورد بدو است بدهد یا اینکه بمیل مأمور مالیه را تاز کند و قیمت جنس را دو برابر بدهد !!!

**بنده تصور نمیکنم که دولت این قدر بخواهد فشار بر مردم وارد بیاورد و حالا هم پیشنهاد دیگری را آقای حائریزاده بشکل ماده در آورده اند بطوریکه بنده هیچ چیز از آن نمی فهمم .**

**ممکن است** خودشان یک توضیحاتی بدهند که بنده بفهمم . فقط بجای آن پیش نهاد نوشته اند که مودی مالیاتی تا ۳ خروار جنس را مسعراً بترخ عادلانه بدهد .

**بنده** چیز دیگری از این نمی فهمم چیزیکه بظنم می رسید این است که از طرف دولت مخصوصاً می بینم یک مقاومت هائی می شود و حقیقت نفس الامر را هم که ملاحظه میکنم می بینم اشکالی وارد نمی شود .

**ولی** یک مقاومت هائی می شود که اسباب تعویق گذاشتن این قانون می شود و این قانون هر سه ماه یک مرتبه می آید بمجلس و مجدداً می رود بکمیسیون و باز بر می گردد بمجلس .

**الان** دو دوره است که بنده در این مجلس هستم دوره چهارم و دوره پنجم و می بینم که این قانون هی می آید بمجلس و باز بر می گردد و چهارم و پنجم و ششم می آید بمجلس و باز بر می آید بمجلس و هر سه ماه یک مرتبه می آید بمجلس و مجدداً می رود بکمیسیون و باز بر می آید بمجلس .

**در نظر نمی گیرند و همانطوریکه اهالی جنوب** ایران از جمله فراموشی شده ها هستند همیشه طر و مشروب طرز زندگی کانی شان هم مثل خودشان فراموش شده است خرما قوت اغلب مردم جنوبی ایران است از خوزستان گرفته تا برودیه نقاط بلوچستان و شاید سیستان فرسخ راه طوالت است و به نظر آقایان هیچ اهمیت ندارد .

**بنده** نه این است که مقرر باشم جنس داده شود ولی باین معنی که در قانون میشود بنده مخالفم .

**هیچ** فلسفه برایش نمی بینم . فلسفه اینکه شما گفتید که عین جنس بدهد چه بود ؟

**فلسفه اش این** بود که شاید مودی مالیات پول نداشته باشد اگر میخواهد این فلسفه را تأیید کنید میگویم خود ما را چرا فراموش کرده اید ؟

**اگر** میگوئید گرفتن عین جنس برای دولت و مردم مضرت و نفعی بهتر است پس چرا جو و شلتوک و گندم را میگوئید عین جنس بدهند شما گمان میکنید خرما در مقابل جو و گندم و شلتوک اهمیت ندارد ؟ بنده عرض میکنم پس شما هیچ جا نرفته اید و هیچ چیز ندیده اید .

**خرما** همیشه در مقابل اینها بمداز گندم بیشتر از همه است مخصوصاً قسمت خورستان میناب عباسی دشتی و اشکالی نیست آخر بلوچستان

**از این** مردم بطوریکه سابقه دارد دولت خرما عوض مالیات میگرفته حالا بنده عرض میکنم در نظر بگیرد که اگر بنا باشد

سعر آبیرو دادند . می فرمایند حق نداشته باشد باید تمام را جنس بدهد . می فرمایند بیشتر حق داشته باشد پیشنهاد بفرمائید بیاید بکمیسیون در این رایبری که از کمیسیون آمده است بمجلس بفرماید بنده یک ارفاقی شدت است نسبت به مالکین که مالکین تا ۳ خروار جنس بدمی خودشان را حق دارند تسعیر کنند بشرح متوسط همان بلوک و پولش را بدهند و اگر آقایان باین قسمت مخالفت دارند بفرمایند و اگر نظر دیگری دارند پیشنهاد بفرمائید بیاید بکمیسیون .

**کازرونی - اجازه** می فرمائید **نایب رئیس - مخالفند ؟**

**کازرونی - بله .**

**نایب رئیس - بفرمائید**

**کازرونی - همانطوریکه** گفته شد خوراک اغلب و اکثر اهالی این مملکت جو است و گندم است و شلتوک . قبول دارم . لیکن یک جنسهای دیگری هست که آقایان هیچ در نظر نمی گیرند .

**خرما** در یک قسمت اعظم از مملکت قوت اغلب مردم است که آقایان هیچ آنرا در نظر نمی گیرند و همانطوریکه اهالی جنوب ایران از جمله فراموشی شده ها هستند همیشه طر و مشروب طرز زندگی کانی شان هم مثل خودشان فراموش شده است خرما قوت اغلب مردم جنوبی ایران است از خوزستان گرفته تا برودیه نقاط بلوچستان و شاید سیستان فرسخ راه طوالت است و به نظر آقایان هیچ اهمیت ندارد .

**بنده** نه این است که مقرر باشم جنس داده شود ولی باین معنی که در قانون میشود بنده مخالفم .

**هیچ** فلسفه برایش نمی بینم . فلسفه اینکه شما گفتید که عین جنس بدهد چه بود ؟

**فلسفه اش این** بود که شاید مودی مالیات پول نداشته باشد اگر میخواهد این فلسفه را تأیید کنید میگویم خود ما را چرا فراموش کرده اید ؟

**اگر** میگوئید گرفتن عین جنس برای دولت و مردم مضرت و نفعی بهتر است پس چرا جو و شلتوک و گندم را میگوئید عین جنس بدهند شما گمان میکنید خرما در مقابل جو و گندم و شلتوک اهمیت ندارد ؟ بنده عرض میکنم پس شما هیچ جا نرفته اید و هیچ چیز ندیده اید .

**خرما** همیشه در مقابل اینها بمداز گندم بیشتر از همه است مخصوصاً قسمت خورستان میناب عباسی دشتی و اشکالی نیست آخر بلوچستان

**از این** مردم بطوریکه سابقه دارد دولت خرما عوض مالیات میگرفته حالا بنده عرض میکنم در نظر بگیرد که اگر بنا باشد

کازرونی - بسیار خوب - پس بقیه عرضم **طلبم** .

**نایب رئیس - بسیار خوب** (چند دقیقه تنفس داده میشود)

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

**نایب رئیس - آقای** کازرونی (اجازه)

**کازرونی** اگر چه بنده رشته صحبتیم از دستم بیرون رفت و نمیدانم این عرضی که میکنم متصل بآن عرض سابقم میشود یا خیر؟ عملی ای حال بنده عقیده خودم را بطور اختصار عرض میکنم بنده عقیده دارم همان طور که آقای مدرس اظهار داشتند اختیار ببالک و مودی مالیات داده شود که اگر خواسته باشد جنس را مسعیر بکنند و اگر بخواهند عین جنس را بپردازند و در آن قسمت هم همانطور که عرض کردم عقیده دارم که خرما هم باید ضمیمه شود بگندم و جو و شلتوک زیرا که خرما هم قوت اغلب مردم است .

از همین نظر بوده است که شارع مقدس زکوة بر آن قرار داده است و دیگر اینکه کمیسیون گویا با توافق نظر نماینده وزارت مالیه همچو در نظر گرفته است که این مسئله را مسکوت عنه بگذارند و پیشنهادی از طرف آقای آقا میرزا شهاب در جلسه گذشته شد که تکلیفی از برای مأمورین مالیه صراحتاً معین کرد که مأمورین مالیه مکلفند عین جنس را بگیرند ولی حالا همچو صلاح دانسته اند که مسکوت عنه بگذارندش .

**یعنی** حاله اش بدهند بقدرت مأمورین مالیه و آنوقت ممکن است در ضمن نظامنامه که نوشته میشود که فرع زائد بر اصل است آنجا یک تکالیف فوق العاده ذکر شود و در آنجا یک چیز هائی بنویسند که منجر باسباب زحمت و مشقت از برای مردم بشود .

**در** هر صورت اگر این مقصود را نداشته اند علت اینکه ذکرش نکرده توضیح نداده اند چه بوده؟ آخر جهة اینکه پیشنهاد شد و مجلس رای داد و آقایان گفتند مسکوت عنه باشد چیست ؟

**اگر** واقعا مقصود همین بود که چرا ذکر نکرده اند و اگر خیر مقصود غیر از این بوده که ما آن مقصودی را که غیر از این باشد نمی خواهیم در موقع اجرا بیایند .

(جمعی از نمایندگان گفتند مذاکرات کافی است و بعضی کافی نمی دانستند)

**نایب رئیس - چون** عده برای رای کافی نیست باید مذاکره شود .

**مخبر - اصلا** بعضی قضایا را می آید بهترش کنیم بهتر بدتر میشود . ما وضعیت

مالیه مملکت را در نظر می گیریم می بینیم بد است .

املاک صدسال پنجاه سال پیش میزید شده و یک عایداتی متناسب با آبادی آن روز پیش بینی کرده اند و مالیاتی بر طبق آن وضع نموده اند حالا از دهانی که خراب شده آن جزو جمع ما مطالبه میکنند و دهانی که آباد شده مالیه اگر بخواهد چیزی مطالبه بکند حاضر نیستند بدهند و حالت مالیات ارضی مملکت خیلی بد است و این لایحه ایست که در دوره چهارم همه و کلاه باین علاقه مند بودند و در این دوره هم همه ماها علاقه مند هستیم .

بهین نظر هم بود که حتی این را بعنوان طرح قانونی بمجلس آوردیم و بعد دولت لایحه اش را آورد ولی ابتدا خودمان این طرح را دادیم و بدیهی است که اگر فرصت داشتیم و یک چیز خیلی خوبی می نوشتیم که تمام نظامنامه هائی هم که باید وزارت مالیه داشته باشد بصورت قانونی در میآوردیم و حدود مأمورین مالیه و مؤدیان مالیات را معین و روشن میکرد خیلی بهتر بود .

**البته** این هیچ تردیدی درش نیست ولی ملاحظه بفرمائید باخر عمر طبیعی مجلس دو ماه دیگر بیشتر نیست و آنچه که درجراید می بینم و کلاً مجلس مؤسسان هم اغلب از همین آقایان هستند و ممکن است بیست روز دیگر ده روز دیگر هم مجلس مؤسسان تشکیل بشود و محتمل است در نتیجه اینجا تعطیل بشود . . .

**بعضی** از نمایندگان - نمی شود **شیروانی - او** قاشق را تغییر میدهم شوشتری . ماحه الجمع نیست **حائری زاده - حالا** بنده در این موضوع صحبت نمی کنم در هر صورت از عمر مجلس چیزی باقی نمانده و یکده لایحه زیاد می دهیم در دستور داریم منجمه بود چه های مملکتی است که حاضر است و لایحه دیگری هم هست که دولت فشار میآورد که هر چه زودتر بگذرد و البته حق هم دارد .

**زیرا** بلانکلیف است و این لایحه را هم ماهی درش حرف میزنیم و پیش نهاد میدهم و هی ارجاع میشود بکمیسیون و معطلش میکنیم تا اینکه عاقبت از این مجلس نمی گذرد و بهمان حالت بلانکلیف باقی میماند و شاید بعد متاسف شدیم که چرا این لایحه را نگذراندیم و باین حالت بلانکلیفی خاتمه ندادیم .

**یک** جمله دیگر هم عرض میکنم و آن این است که ما نباید کاسه از آتش گرمتر باشیم مالکین عمده چند نفرشان در این مجلس هستند که یکی دو نفر آنها هم در کمیسیون قوانین مالیه عضویت دارند و خودشان این طرح را می پسندند ما که دیگر نباید کاسه از آتش گرم تر باشیم

بعلاوه ما آمدیم تا سه خروار اجازة دادیم بمالکین که تسعیر بکنند یعنی اگر منفعتشان در تسعیر است تسعیر بکنند و اگر خیر منفعتشان در دادن عین جنس است عین جنس را بپردازند این راجع بنده ایست که اکثریت مالکین این مملکت را تشکیل میدهند

**فقط** پنجاه نفر یا صد نفر یا دویست نفر هستند که مالیات جنس آنها بیش از سه خروار است و این اشخاص هم در مجلس نماینده دارند و دوسه نفرشان در کمیسیون قوانین مالیه عضویت دارند و خودشان این طریق را پیشنهاد کرده اند ما دیگر چرا باید کاسه از آتش را گرمتر باشیم

ما با آنها صحبت کردیم می بینم آنها حاضرند باین ترتیب در این صورت ما دیگر چرا باید بیاییم اینجا حرف بزنیم و نمایش بدیم اینجا که جای نمایش نیست اینجا باید حقایق را بگوئیم و وسائل آسایش مردم را فراهم کنیم دولت معتقد است که اگر در این کار اختیار بدهند به مالکین که هر چه خواسته باشند جنس خود را تسعیر بکنند آنوقت اصل احتکار در این مملکت جاری میشود و دولت نمیتواند ارزاق طهران و جاهای دیگر را تأمین بکند این نظری است که دولت دارد و ما اگر علاقه مند هستیم که حقیقت این قانون بگذرد باید یک قدری بیشتر مسامحه کنیم و تسهیلاتی برای گذراندنش فراهم نمائیم

**نایب رئیس - آقای** شیروانی (اجازه)

**شیروانی -** یک جمله آقای مخبر فرمودند که بنده در همان موقع هم تصدیق کردم و آن اینست که فرمودند ما یک کاری را می آیم بهتر کنیم بدتر میشود و آن همین ماده است و حالا بنده دلالت را عرض میکنم اگر چه آقای مدرس کاملاً در این باب توضیحات فرمودند و مقصود از تشریح کردند

**ولی** از آنجا که این فکر در کمیسیون و مجلس پیدا شده است هر قدر هم قانون بد باشد ولی بگذرد بهتر است بنده لازم میدانم چند کلمه عرض کنم

**بنده** کلاً مخالفم باین ترتیب برای این که معنی ندارد یک کار بدی را بگذاریم

**یک** جمله از آقایان اصرار دارند در اینکه بگذارند این قانون ولو معاینی هم دارد بگذرد چرا بگذرد ؟ برای اینکه اسباب زحمت مردم بیشتر شود؟ بنده کاملاً مخالفم

**برای** اینکه الان یک وضعیت در مملکت هست و عادی است و همه مردم به آن عادت کرده اند بنده و جناب عالی هم

تصدیق داریم باینکه وضعیتش هم خوب نیست

**ولی** حالا بیایم یک مملکتی را اصول مالیات آبرش را بهم بزنیم و یک طرز جدیدی ایجاد کنیم و آنوقت خرمان هم بگوئیم با اینکه بد است ولی باز بگذاریم بهتر است این معنی ندارد (در این موقع آقای مخبر از مجلس خارج میشدند) و بنده خیلی میل داشتم که آقای مخبر هم تشریف ببرند

**مخبر - الان** شرفیاب میشوم **شیروانی -** بنده البته یقین دارم قوانینی را که کمیسیونها و دولت می نویسند نظر بدی ندارند و میل ندارند که حتماً یک نظر سهوی را اعمال نمایند ولی متأسفانه اغلب لایحه که مخصوصاً در این اواخر بنده دیده ام دقت درستی نمیشود و همین فکر عجیبی که مثل ابوس کاری شده که چون چیزی باخر دوره مجلس باقی نمانده بگذارید هر چه زود تر این لایحه بگذرد

**بنده** این فکر را خیلی بد می دانم برای اینکه هر مملکت هنوز تمام نشده البته انتباهات هم شروع میشود و شاید بعد هم یک عناصری اینجا بیاید که خیلی بهتر از بنده و جناب عالی قانون بنویسند چرا ما یک قانون بدی بگذاریم و یاد کار بدی هم از خرمان بگذاریم بنده مخالفم که چیز بد از مجلس وهیث شوری بگذرد و این متعلق را تقاضا میکنم عوض کنند خبر ما حتی المقدور سعی میکنیم و حاجت و احتیاج را هم کنار بگذاریم تا یک چیز خوبی بگذاریم همانطور هم که فرمودید نه بنده یک ملک زیاد دارم و نه جناب عالی چیز بد بگذرد خوب است بگذرد دیگر ممکن است عقیده داشته باشند که خیر چیز خوب بگذرد بهتر است و بالاخره قانون شامل تمام مملکت میشود مهم از همه مالک یا خرده مالک فرق نمی کند . در اینجا بنده نگاه اظهار شد که لازم است داده شود . یکی راجع باحتکار بود که این حرف را می اندازند توی دست و پا میگویند اگر اینطور شود اصل احتکار اجرا میشود و اسباب زحمت است بنده عرض میکنم اولاً زارع و آن کسیکه از ملک خودش محصولی جمع آوری میکند و اینبار میبکند بنده آنرا محکوم نمیدانم این احتیاج است و باید دفع شود مالک ایرانی امسال سن زده است مثل خوار و ورامین و جاهای دیگر - حالا میشود مأمور مالیه استتکاف کند در گرفتن این اجناس سن زده ؟

**خوب** اگر مأمور مالیه استتکاف کرد از گرفتن جنس آنوقت آن مودی

با مردم باشند بداست زیرا ارزاق عمومی را ترقی میدهد .

حالا اگر این کار را دولت کرد خوب و مشروع میشود؟ خیر دولت هم این کار را بکند بداست در هر صورت احتکار بداست چه دولت بکند و چه کس دیگر .  
با این ترتیب جلوی احتکار رانمی شود گرفت موضوع اشتباه نشود . شما باندوبین و تصویب . قانون ممیزی میخواهید جلوی احتکار را بگیرید ؟ این اصل غلط است . شما فردا يك قانونی بنویسید .  
نایب رئیس - آقا عده برای مذاکره کافی نیست .

بعضی از نمایندگان - پس جلسه ختم شود .

نایب رئیس - عجلاته جلسه ختم میشود جلسه آتی سه شنبه دستور هم قانون ممیزی (مجلس ده دقیقه بعد از ظهر ختم شد)  
نایب رئیس مجلس شورای ملی - طباطبائی  
منشی م - شهاب  
منشی علی خطیبی

### جلسه ۲۴۱

صورت مشروح مجلس

سه شنبه سوم آذر ماه

هزار و سیصد و چهار

مطابق هفتم جمادی الاولی

هزار و سیصد و چهل و چهار

مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای تدین تشکیل گردید (صورت مجلس یکشنبه اول آذرمار را آقای آقا میرزا شهاب الدین قرائت نمودند .)

رئیس - آقای سهرابزاده (اجازه)

سهرابزاده - بعد از تصویب صورت مجلس عرض دارم

رئیس - آقای روحی (اجازه)

روحی - قبل از دستور عرض دارم

رئیس - آقای حاج آقا رضا رفیع

حاج آقا رضا رفیع - قبل از دستور عرض دارم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - قبل از دستور عرض دارم

رئیس - آقای اجاق (اجازه)

آقا سید حسن اجاق - قبل از دستور

رئیس - آقای سلطان

آقا سید محمد سلطان - بنده هم قبل از دستور عرض دارم

رئیس - آقای امامی

امامی - در دستور عرض دارم .

رئیس - آقای آقا میرزا محمد خان و کپلی

(اجازه)